



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۳۱

جليل غني هروی

مقابله دو قدرت بزرگ جهان در افغانستان

صلح یک نیاز مبرم برای افغانستان و یکی از آرزو مندی های بزرگ مردم افغانستان است که در بیش از چهار دهه اخیر قربانی یک جنگ ویرانگر و تحمیلی بوده اند. جنگ های چهل سال اخیر که گاهی ناشی از کودتای حزب دموکراتیک خلق و تحمیل حکومت دست نشانده اتحاد شوروی در افغانستان و تهاجم آشکار و مغایر تمام موازین بین المللی بر افغانستان بوده، و زمانی جنگ های تنظیمی و ویرانی بیشتر شهر ها به خصوص کابل، و گاهی هم ظلم و استبداد نظام طالبی به حمایت پاکستان از چنین حکومتی، و از سال ۲۰۰۱ بدین سو در مقابل بقایای طالب و تنظیم مجدد، تربیه و تجهیز آنها توسط پاکستان، بیش از یک میلیون انسان بیگناه را به نام ها و اتهام های نا روا به شهادت رسانید و شیرازه زندگی را از بنیاد با سرمایه های مادی و معنوی این کشور ویران و نابود ساخت.

اما حالا که از یک طرف قدرت های منطوقی و جهانی از این جنگ فرسایشی خسته شده و تاثیرات نا گوار و منفی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی این جنگ را با موقعیت خاص جغرافیائی که افغانستان دارد، تا مغز استخوان احساس میکنند، راه های حل این جنگ و تأمین صلح را در افغانستان جست و جو میکنند. درین تلاش ها نه تنها همسایگان افغانستان بل کشور های منطقه و به خصوص دو قدرت بزرگ جهان، ایالات متحده امریکا و روسیه، بیشتر فعال گردیده اند.

در افغانستان کنونی حد اقل چهل کشور به طور مستقیم با فرستادن قوای شان، چه کم و چه زیاد، در جنگ علیه دهشت افگنی دخیل هستند و تعداد دیگری مثل روسیه و بعضی از همسایگان به طور غیر مستقیم یا با تربیه و تجهیز گماشتگان و سر سپردگان شان و یا حمایت از گروه های مشخص با پیوند های گوناگون قومی، قبیله‌ای، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی دخیل می باشند. این عوامل جست و جوی یک راه حل و آوردن صلح را در افغانستان به مراتب مشکلتر و پیچیده تر ساخته است. آنانی که تا دیروز قاتلین مردم افغانستان شناسائی می شدند، امروز دوستان و مصلحین قلمداد می گردند، کسانی که تا دیروز هزاران انسان بیگناه را در نبرد با این و یا آن کشور به نام جهاد و مقاومت و آزادی و دفاع از عقیده و ایمان به شهادت و قربانی سوق دادند و ده ها سال با هم در جنگ بودند، حالا در یک صف متحد قرار گرفتند.

در همه کشور ها و ملیت های که جنگ های طولانی بین گروه ها و یا جناح مختلف دوام داشته، در نهایت امر برای آوردن صلح با هم آشتی نمودند و مشترکاً برای این هدف پاک کار کردند که نمونه های زیادی در جهان دارد مثل افریقای جنوبی که بزرگ مردی چون نلسن ماندیلا از زندان بر آمد و سفید پوستان پیرو اپارتاید، منفور ترین نحوه نژاد پرستی، را با سیاه پوستان بومی آنکشور کنار هم آورد و کشور را در مسیر صلح، رفاه و آسایش و پیشرفت و دموکراسی قرار داد. در تیمور شرقی در جنوب شرق آسیا و نیکارا گوا در امریکای جنوبی هم جناح های مخالف آخر الامر با هم نزدیک شدند و کشور شانرا از یک جنگ خانمانسوز و ملت شانرا از قربانی شدن درین جنگ نجات دادند. جناح های متخاصم صادقانه از ملت های شان عفو خواستند، طلب بخشش نمودند و تعهد کردند که برای آبادی کشور و آسایش مردم متحدانه کار خواهند کرد. ولی هیچ یک از رهبران این کشور ها به قدرت های بزرگ و مقابل ساختن رقیبان بین المللی برای احراز قدرت، پناه نبردند بلکه منافع ملی شانرا بر اقتدار و اتکا بر بیگانگان ترجیح دادند. محبوب ملت های شان گردیدند و گذاشتند ملت در باره سرنوشت خود تصمیم بگیرد نه دیگران.

هیچ یک از کشور های که چه در افغانستان قوا دارند و چه در همسایگی افغانستان و کوشش دارند به نحوی درین مساعی برای آوردن صلح در افغانستان نقشی داشته باشند، به اصطلاح «دایه مهر بان تر از مادر» نیستند بلکه در پی تأمین منافع خود هستند. در هر کشوری که دیگران برای آن تصمیم گرفتند و سر نوشت آنها رقم زده اند، نتیجه جز بی ثباتی و از دست دادن آزادی و منابع و منافع، ثمر دیگری نداشته است. ملت ها از مطالعه

تاریخ کشور های دیگر آموخته اند و راه نا صوابی را که دیگران پیموده اند، طی نکرده بلکه مسیری را پیموده اند که منافع دراز مدت آنها را تأمین کرده است.

با تعقیب جریانات کوشش ها برای مذاکرات صلح که از چند ماه از جانب ایالات متحده آمریکا براه انداخته شده، بر می آید که پیچیدگی های ابعاد داخلی و خارجی این معضله روز تا روز آشکار تر می گردد. در رابطه با ابعاد داخلی، تلاش ها تا هنوز اجماع ملی را به دست آورده نتوانسته. جناح های سیاسی که خود را در قضایای افغانستان دیدخل و نمود میکنند، گروه های هستند که اختلافات و بعضاً خصومت های آنها در جنگ های چهل سال اخیر ریشه دارد. تجربه نشان داده که همین گروه ها در دوران جنگ در برابر حکومت حزب دموکراتیک خلق و بعداً تجاوز اتحاد شوروی سابقه بر افغانستان، تمام اتحاد ها و ائتلاف های آنها مقطعه یی و محدود بوده و بعضاً حتی چند ماه دوام نکرده و حتی در میدان نبرد بجای جنگ با قوای حکومت و یا متجاوزین، در برابر یکدیگر جنگیده اند و حتی بیشتر رزمندگان شان در چنین جنگهای بین تنظیم ها از دست داده اند. بنا بر آن تا کنون این جریان های سیاسی روی یک طرح مشخص و موازین و آجندای مذاکره با طالبان و حتی تعیین هیاتی برای چنین مذاکراتی، اگر دایر شده بتواند چون طالبان حاضر به مذاکره با هایت حکومت نیستند که بعداً در همین مختصر به آن پرداخته خواهد شد، توافق کرده نتوانستند. دولت افغانستان هم نتوانسته اجماع ملی را که همواره داد از چنین اجماعی می زند، به دست آورد و ملت و اکثریت خاموش را نادیده گرفته. شاید تدویر کنفرانس جوانان از سی و چهار ولایت افغانستان که دو روز قبل در کابل دایر شد و کنفرانس بانوان افغان که قرار است بزودی دایر گردد، تلاشی در همین راستا باشد که اقدامی نیک است ولی از دایر نمودن چنین کنفرانس ها و پس از سالیان دراز، درین آوانی که ثبت نام کاندیدان ریاست جمهور صورت گرفته و انتخابات ریاست جمهوری هم قرار است تا پنج ماه دیگر دایر گردد، بوی مبارزه انتخاباتی از آن به مشام می رسد تا به دست آوردن اجماع ملی.

از جانب دیگر اجماع ملی در صورتی می تواند به دست آید که ملت اعتمادی به دولت داشته باشد متأسفانه دولت فعلی اعتمادش را در چهار سال گذشته از دست داده است. دلایل متعدد و فراوانی وجود دارد که چرا ملت به این دولت بی اعتماد شده است که می توان به اختصار نام برد ولی به تفصیل مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد: اختلاف در رهبر دولت از همان آغاز تشکیل حکومت وحدت ملی بر مبنای یک توافق سیاسی نه بر اساس قانون اساسی و انتخاباتی که با وصف تقلب، دایر گردیده بود، نا کار آئی حکومت، بی امنیتی، بیکاری، فساد اداری که در دستگاه های ادارات دولتی و قضا و سارنوالی بیداد می کند و از هزاران چپاولگر دارائی های عامه فقط تعداد انگشت شماری به محاکمه کشانیده شده اند، خویش خوری ها و تعیینات نامناسب در دستگاه دولت، تک روی های در دستگاه دولت، دامن زدن به تعصبات از طریق تعیینات و به حاشیه راندن اقلیت های قومی و سایر اقلیت ها. یک مثال در وزارت زراعت: چون وزیر زراعت از یک قوم مشخص است از جمله پنجاه و شش ریاست آن وزارت، پنجاه و دو ریاست متعلق به همان قوم مشخص است.

ابعاد خارجی معضله افغانستان در دخیل بودن بیش از چهل کشور به خصوص همسایگان، در قضایای افغانستان است. شکی نیست که هر یک از کشور های دخیل، چه دور و چه نزدیک، نگرانی های مشروعی دارند بطور مثال انتشار دهشت افگنی از افغانستان، تولید و صدور مواد مخدر، انتشار بی امنیتی و بی ثباتی به کشور های جهان و همسایه، تعلقات قومی و مذهبی با برخی از مردم افغانستان، و منافع مشروع مثل تأمین راه های تجارت و ترانزیت، استفاده مشترک از آبهای افغانستان که باید بر مبنای قوانین مطروحه بین المللی و افغانستان و کشور استفاده کننده باشد، سهولت های تعرفه های تجارتی و انتقال انرژی و امثال اینها.

اما عمده ترین مشکل در بعد خارجی قضیه افغانستان موضوع اصطکاک منافع قدرت های منطقه و جهان است که به دست آوردن اجماع منظوقی و توافق جهانی به هر گونه راه حلی می تواند یکی از عمده ترین و مشکلترین موضوعات یک صلح با دوام در افغانستان باشد. به چند نمونه مختصر اشاره می شود: پاکستان مخالف نفوذ و حضور غیر متوازن هند و سپردن پروژه های عمده اقتصادی و تولیدی به هند در افغانستان است و می خواهد حضور هند در افغانستان محدود باشد، همچنان پاکستان به حیث بزرگترین حامی طالبان که از سی سال به اینطرف بر این گروه سرمایه گذاری کرده نقش کلیدی را به این گروه در افغانستان آینده مطالبه دارد. ایران مخالف حضور آمریکا در افغانستان به خصوص موجودیت پایگاه های نظامی آن کشور و آن هم در نزدیکی های سرحد ایران است، کشور های عربی مثل عربستان سعودی و امارات متحد عرب خواهان نقش سلفی ها و همدستان شان مثل گلبدین حکمتیار و طالبان در افغانستان هستند، روسیه هم خودش و هم از طریق ازبکستان و ترکمنستان و تاجکستان اقرار سابقه اتحاد شوروی، مخالف حضور آمریکا در شمال افغانستان است چنانچه گفته می شود که یکی از دلایل کودتا علیه داود خان مخالفت او با بریزنف که گفته بود پروژه های اقتصادی شمال افغانستان نباید به غربی ها داده شود، بوده است. بازیگر دیگر چین است که در افغانستان در پروژه های مختلف سرمایه گذاری دارد و در عین زمان یکی از بزرگ ترین کمک کنندگان مالی باز سازی و

زیر بنای های اقتصادی در پاکستان است و روابط تنگاتنگ با آن کشور دارد و احتمالاً در ین معادله جانب پاکستان را خواهد گرفت.

با عواملی که شمه ای از آن تذکر داده شد، آقای خلیل‌زاد از سه ماه به اینطرف مصروف دیپلوماسی رفت و برگشت به پایتخت های این کشور ها بوده و در پی آن بوده است که اجماع منطقوی را برای آوردن صلح در افغانستان به دست آورد که تا کنون نتیجه این رفت و برگشت هایش مثل تقریباً همه فعالیت هایش افشا نشده است. طالبان هم توسط پاکستان با سفر های وزیر خارجه آن کشور به پایتخت های کشور های متعدد به شمول کابل و پیکنگ و ماسکو و کشور های عربی و هم خود شان برای استحکام موقف شان و جلب پشتیبانی از آجندا و استراتژی شان درین مذاکرات فعال بوده اند.

اما حکومت کابل دیر تر از همه در راه به دست آوردن اجماع منطقوی اقدام نمود و بعد از ماه ها محمد عمر داود زی آمر دار الانشای شورای عالی صلح به پاکستان و حمد الله محب مشاور امنیت ملی خود را به ایران و چند کشور دیگر فرستاد. دیده شود که در ین چوگان بازی جلب حمایت منطقوی و جهانی کدام طرف برنده است. ولی عمده ترین مشکل در حال حاضر مقابله ایالات متحده امریکا و روسیه در افغانستان است. هر دو کشور سعی دارند به گفته ای خود شان زمینه مذاکرات بین الافغانی را فراهم سازند. در پهلوی اینکه ایالات متحده امریکا از تقریباً شش ماه به این طرف تماسهای با طالبان بر قرار نموده و تا کنون آقای خلیل‌زاد چهار دور مذاکره با آنها انجام داده، روسیه نیز دست روی هم نگذاشته و فارغ نبوده و چندین کنفرانس دایر کرده که در یکی از این کنفرانس ها نمایندگانی از شورای عالی صلح هم اشتراک کردند که چندان اهمیتی به آنها نه از جانب روسیه داده شد و نه هم طالبان و ملاقاتی هم با آنها انجام نشد.

روسیه برای مقابله با ایالات متحده، کنفرانس دیگری در نظر دارد که قرار است سه شنبه آینده در ماسکو دایر شود. آژانس خبر رسانی روبترز گزارش داده که درین کنفرانس قرار است حاجی محمد محقق کاندیدای معاونیت دوم ریاست جمهوری در تیم حنیف اتمر، محمد اسماعیل خان یکی از رهبران جهادی و عطا محمد نور رئیس اجرائیه حزب جمعیت اسلامی، که از حامیان تیم انتخاباتی حنیف اتر هستند، نیز اشتراک کنند. در گزارش رویترز آمده که گفتگوهای ماسکو تلاش روسیه برای ایفا کردن نقش‌اش در روند صلح است اما یک مقام امریکایی این نقش را تلاشی به هدف "درهم و برهم" کردن روند صلح خوانده است.

طالبان تا کنون حاضر به مذاکره با هیات حکومت افغانستان نیستند و آنرا یک حکومت دست نشانده می خوانند. از نظر طالبان ملاقات و مذاکره با حکومت افغانستان به معنی به رسمیت شناختن این حکومت است که بر اساس مشی و عقیده آنها از همان آغاز تشکیل ساختار سیاسی افغانستان، حکومت های افغانستان را غیر مشروع خوانده اند. تشکیل کنفرانس ماسکو و دعوت از محقق، اسماعیل خان و عطا محمد نور نور شاید هم بر مینای خواسته های طالبان بوده باشد که گفته اند با جریانات و شخصیت های مطرح سیاسی به گفت و گو خواهند پرداخت نه اعضای حکومت و در یکی از گزارش ها این هم گفته شده بود که حاضر هستند با کسانی مثل اسماعیل خان مذاکره کنند.

روسیه که بار ها مخالفت خود را با حضور دایمی امریکا در افغانستان ابراز داشته، سعی دارد یکی از بازیگران عمده در حل سیاسی معضله افغانستان باشد. دعوت این کشور از جریانات سیاسی و شخصیت های مطرح در افغانستان در کنفرانس ماسکو هم به همین منظور است ولی اشتراک چنین گروه ها و شخصیت ها می تواند زمینه مقابله دو قدرت بزرگ جهان را در افغانستان فراهم سازد. اصطکاک منافع این دو قدرت در افغانستان آبهتن حوادث ناگواری خواهد بود که به جای آوردن صلح پایدار و ثبات، به بی ثباتی و نا امنی دیگری منجر خواهد شد

پایان